

## نگاه

## عدم اعتماد به عربستان در آینده برجام

## آزاده بابایی نژاد

**●** دونالد ترامپ، رئیس جمهور آمریکا، دوازدهم ماه می (۲۱ اردیبهشت) قرار است درباره حفظ «برجام» و تعلیق مجدد تحریم‌های هسته‌ای تصمیم بگیرد. او که بیش از این موضع‌گیری تندی درباره توافق هسته‌ای با ایران داشته و حتی آن را برای کشورش تأسف‌بار خوانده، این‌بار مصمم است بندهایی از آن را اصلاح کند و بنا به گفته مشاورانش، او از پرسوسه تأیید پابندی ایران به توافق هسته‌ای – قانونی که کنگره آمریکا در زمان اوپاما تصویب کرد– که باید هر ۹۰ روز و تعلیق تحریم‌های هسته‌ای که باید هر ۱۲۰ روز صورت گیرد، به‌شدت متنفر است.

در ابتدای سال ۲۰۱۸ ترامپ از شرکای اروپایی این توافق که شامل انگلیس، فرانسه، آلمان و اتحادیه اروپا است، خواست پیش از ضرب‌الاجل ۱۲ می، به چهار موضوع رسیدگی کنند، وگرنه شاهد خروج آمریکا از توافق هسته‌ای خواهند بود؛ نخست، اعمال تحریم‌های جدید بر برنامه موشک‌های بالستیک ایران؛ دوم، گسترش بازرسی‌های هسته‌ای به اماکن نظامی ایران؛ سوم، مقابله با فعالیت‌های ایران در منطقه؛ و چهارم، حذف بند انقضای توافق هسته‌ای که براساس آن ایران این اجازه را دارد پس از انقضای این توافق در سال ۲۰۳۰، غنی‌سازی اورانیوم را از سر گیرد. به باور آگاهان سیاسی در شرایطی دولت واشنگتن در حال سبک و سنگین کردن توافق هسته‌ای است که نه‌تنها میزبان سفر ولیعهد جوان عربستان به این کشور است، بلکه گروهی از کارشناسان ترامپ را از مشورت‌خواهی با این ولیعهد جوان منع کرده و بر این باورند که ولیعهد ۳۲ساله عربستان گرچه دانش‌آموخته غرب است و در کشورش قوانین بسیاری را درباره زنان و حقوق شهروندی اصلاح و عملاً تابوشکنی کرده و مستقیماً از تاسیس اسرائیل در کنار فلسطین سخن گفته است، اما او دستاورد‌های دولت ترامپ را در رضی کردن طالبان برای نشست بر سر میز گفت‌وگو با دولت افغانستان و نیز ادامه توافق هسته‌ای با ایران برای مهار بلندی‌پروازی‌های منطقه‌ای تهران نادیده انگاشته و همواره بر کوس جاه‌طلبی ایران زده است، محمد بن سلمان پیروز اصلاح‌ات داخلی کشورش است، اما او در سیاست‌های بیرون‌مرزی به‌ویژه در قضیه قطر و یمن و نیز اجبار سعد الحزیری به استعفا آن هم در خاک عربستان عملاً ضعیف عمل کرده و ترامپ نباید درباره ادامه برجام با او رایزنی کند. این در حالی است که از زمان روی کارآمدن محمد بن سلمان در عربستان، شخصیت‌های دانش‌گامی و چهارپای سیاسی دولت واشنگتن معتقدند عربستان نه‌تنها دیگر راه‌حل به چشم نمی‌آید، بلکه در عمل خود به بخشی از مشکل تبدیل شده است.

## خبر

## گفت‌وگوی ترامپ با محمد بن زاید درباره ایران

**●** دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا و ولیعهد ابوظبی درباره راه‌های مقابله با ایران بحث و تبادل نظر کردند. به گزارش «ایسنا» به نقل از روسیا الیوم» کاخ سفید در بیانیه‌ای اعلام کرد که دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا و محمد بن زاید، ولیعهد ابوظبی در تماسی تلفنی درباره درگیری‌های منطقه و نیز به وحدت برای مقابله با ایران و مبارزه با تروریسم بحث و گفت‌وگو کردند. در این بیانیه آمده است که دو طرف درباره تحولات و فرصت‌های منطقه برای تقویت همکاری در زمینه‌های امنیتی و اقتصادی گفت‌وگو کردند. دونالد ترامپ در این گفت‌وگو از ولیعهد ابوظبی به دلیل رغبت کشورش به ایجاد وحدت در منطقه و مقابله با ایران و بیرون‌آندن تروریست‌ها و افراط‌گرایان تقدیر و تشکر کرد. همچنین در این بیانیه آمده است که ترامپ و بن زاید درباره ضرورت تقویت همکاری میان کشورهای عربی و آمریکا به منظور ایجاد صلح و آسایش توافق کردند. ماه گذشته هم رئیس‌جمهور آمریکا در گفت‌وگوی تلفنی جداگانه با محمد بن سلمان، ولیعهد عربستان و محمد بن زاید، ولیعهد ابوظبی درباره برخی امور امنیتی و اقتصادی مدعی شدند که ایران فعالیت‌های بی‌ثبات‌کننده‌ای دارد. در آن گزارش کاخ سفید اعلام کرد که ترامپ از محمد بن سلمان و محمد بن زاید به‌خاطر نقش مهم آنها در آگاه‌کردن کشورهای حاشیه خلیج فارس به منظور مقابله با اقدامات بی‌ثبات‌کننده ایران و همچنین مبارزه با تروریسم و افراط‌گرایی تشکر و قدردانی کرد.
محمدجواد طریف، وزیر خارجه ایران درباره همدستی آمریکا، انگلیس امارات و عربستان در جنایت‌های یمن در توئیتر خود نوشته است: تلاش از روی استیصال ایالات متحده و انگلستان در شورای امنیت برای سرپوش‌گذاشتن بر سه سال همدستی‌شان در جنایات جنایت ایران عربستان و امارات در یمن به شکست انجامید. این از آغازین روزهای شروع بحران طرح خود را برای آتش‌بس، کمک‌های انسان‌دوستانه، گفت‌وگو و حکومتی فراگیر ارائه داد. این طرح که یک توهم پیروزی نظامی یا اتهام‌زنی نیست؛ هنوز هم تنها راه‌حل است.

politics@sharghdaily.ir

**شرق**: در میانه‌های که بازار دیپلماسی هیچ کشوری محدود به جغرافیای خاص نیست، آمریکای لاتین برای بسیاری از کشورها، مقصد خوبی برای یافتن منابع مشترک است. در راستای تلاش همه از دور و نزدیک برای یافتن هم‌پیمان و شریک اقتصادی در آمریکای لاتین، جمهوری اسلامی ایران نیز از این مقصد غافل‌نمانده است. این را در تلاش‌های مقامات کشور برای نزدیکی با این حوزه می‌توان دید. اگرچه از تب‌وتاب پرفشار سال‌هایی که محمود احمدی‌نژاد و هوگو چاوز، رهبر وقت ونزولا، بارها در آغوش هم دیده می‌شدند خبری نیست، اما به نظر می‌رسد تعادلی نسبی در رابطه ایران و کشورهای آمریکای لاتین در حال نمود است. روز گذشته وزیر خارجه ونزولا که داماد چاوز است، میهمان تهران بود. ملاقات با همتای ایرانی‌اش اگرچه پنجشنبه گذشته در حاشیه اجلاس عدم تعهد در باکو انجام شده بود. اما این بار در تهران نیز بار دیگر درباره گسترش روابط دوجانبه و مسائل منطقه‌ای و بین‌المللی گفت‌وگو کردند. گستره روابط با آمریکای لاتین در سطحی قرار دارد که امروز وزیر امور خارجه ایران مسافر برزیل و اروگوئه و البته برخی کشورهای آفریقایی است. در همین راستا دستیار وزیر امور خارجه در امور آمریکا اواخ‌ر سال گذشته به چند کشور آمریکای لاتین سفر کرده و در ملاقات‌هایش زمینه‌های همکاری‌های مشترک را بررسی کرد.ن. محمد کشاورززاده، مدیرکل آمریکای وزارت امور خارجه، در گفت‌وگو با «شرق» درباره این سفر، توضیحات بیشتری ارائه کرد.

**تمایل به گشودن سفارت پرو**

دستیار وزیر امور خارجه به پرو، اکوادور، مکزیک و ونزولا سفر کرده بود. او توضیح داد که روابط جمهوری اسلامی ایران و آمریکای لاتین براساس احترام متقابل و منافع مشترک پیش می‌رود و زمینه‌های زیادی برای توسعه روابط با کشورهای این قاره چه شورجایی که حکام آنها گرایش چپ و چه آنها که گرایش راست دارند، وجود دارد. او سفر به پرو را به عنوان یکی از کشورهایی که گرایش راست دارد، برشمرد و گفت که این کشور تمایل بالایی برای گسترش روابط با ایران دارد و ازهمین‌رو علاقه‌مند به گشودن سفارت در ایران است. پرو پیش‌تر در هند و در حال حاضر از طریق سفارت در ترکیه و به شکل اردک‌په با ایران در ارتباط است. کشاورززاده توضیح می‌دهد که به گفته مقامات پرو، آنها به‌قدرت تحولات ایران را بررسی می‌کنند و تمایل دارند ارتباط سیاسی و اقتصادی بیشتری با ایران داشته باشند. ازهمین‌رو ایران نیز نسبت به گشایش سفارت

محمدجواد طریف

در مراسم افتتاح سفارت

محمدجواد طریف

در مراسم افتتاح سفارت

در مراسم افتتاح سفارت

در مراسم افتتاح سفارت

**ادامه از صفحه ۶**

داخلی و حقوق بین‌الملل تأکید داشت. دفاع از ملی‌کردن نفت در دادگاه لاهه و شورای امنیت و نیز مشارکت در تصویب قطع‌نامه (A/RES ۶۲۶/۷) مورخ دسامبر ۱۹۵۲ مجمع عمومی سازمان ملل که در آن بر «بهره‌برداری آزادانه کشورها از منابع طبیعی خود» و «حق آنها بر اعمال حاکمیت ملی بر این منابع» تأکید شده، نمونه‌هایی در این زمینه است. همه اینها و نیز تلاش مصدق برای کوچک‌کردن دستگاه اداری و نیز نظرات او درباره زنان و برخی اقلیت‌های خاص، چه خوب چه بد، در آن زمانه دشوار چگونه می‌تواند کار یک پوپولیست باشد؟ اما باید در نظر داشت که مصدق در یکی از دشوارترین دوره‌های تاریخ ایران که کم از شرایط جنگی نداشت، عهددار امور بود. ارتش و تا حدودی شهرتانی و ژاندارمری، در کنترل او نبودند. اگرچه در دوره دوم عهددار وزارت دفاع شد، اما افسران ارشد طبق سنت با دربار مربوط بودند. سیاستمداران محافظه‌کار و اکثریت قریب‌به‌اتفاق زمین‌داران بزرگ و رؤسای ایلات برای سرنگونی او می‌کوشیدند. انگلیس هم در فروش نفت و تجارت خارجی کشور اخلال ایجاد می‌کرد و به همراه آمریکا تلاش پوپولیستی نیروهای مخالف دولت بود. از طرفی، مخالفان مصدق مانع تشکیل جلسات مجلس می‌شدند و نوعی انسداد شدید سیاسی را به وجود آورده بودند. در چنین شرایطی که حتی مخالفان، رئیس شهریانی نزدیک به او را ربودند

و جنازه شکنجه‌شده و منله‌شده‌اش را تحویل دادند، کسی مثل مصدق یا باید تسلیم می‌شد یا با مردم کمک می‌خواست. در اینجا هم امثال آقای غنی‌نژاد منتظرند تا هر ظهور و بروز طرفداری از مصدق در خیابان‌ها را مساوی پوپولیسم اعلام کنند.

**انحلال مجلس توسط مصدق و عزل مصدق توسط شاه**

آقای غنی‌نژاد درباره انحلال مجلس از سوی مصدق و فرمان عزل او به وسیله شاه نیز مطالبی می‌گوید که کاملاً جانبدارانه و عاری از هرگونه دقت تاریخی است. بررسی موضوع نخست حتما باید با توجه به پاسخ به این سؤال که نخست‌وزیر در برابر اسناد و بی‌سنت سیاسی کامل که ناشی از جلوگیری نمایندگان مخالف از تشکیل جلسات آن و معطل ماندن کلیه ایود چه باید می‌کرد، باشد. تقریباً در همه دموکراسی‌ها به نوعی انحلال پارلمان توسط رئیس دولت (مثل نمونه اخیر در انگلیس) یا اعلام وضعیت فوق‌العاده پذیرفته شده است. همین موضوع، یعنی تحریم مجلس توسط جناح ملین در فاصله ۲۵ تا ۳۰ تیر ۳۱ که مانع کار دولت قوام بود، سبب شد تا مخالفان مصدق انحلال مجلس را از شاه بخوانند. به علاوه، با آنکه انحلال مجلس هفدم توسط مصدق به رسمیت شناخته نشد، اما دولت کودتا هیچ‌گاه آن مجلس را احیا نکرد و حدود شش‌ماه بعد انتخاباتی کنترل‌شده برگزار کرد.

درمورد فرمان شاه مبنی بر عزل مصدق و نصب تیمسار زاهدی این شش‌هوادنی سال بسیار سخن گفته شده و به‌ویژه مخالفان مصدق که بعضاً در رژیم

## سیاست

